



## طغیان در قرآن و حدیث

محمد علی آبادی<sup>۱</sup>

علی رضا حسنی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مسائل مهم و قابل تأمل، در آیات آغازین قرآن کریم مسئله «طغیان انسان» است؛ مسئله‌ای که اهمیت و ضرورت آن را می‌توان در اولویت طرح مسئله طغیان در آغاز وحی، نخستین مأموریت حضرت موسی (علیه السلام) برای درمان طغیان فرعون و عقوبت سخت طاغیان به خوبی مشاهده کرد.

قرآن کریم با پرداختن به ابعاد مختلف این مسئله، اعم از علل و عوامل پدیداری، علائم، راه‌های برون‌رفت و درمان آن، ضمن تأکید بر اهمیت درمان آن، زمینه رشد و کسب مکارم اخلاق را برای هر انسان طالب سعادت، فراهم می‌سازد؛ احساس بی‌نیازی (استغنا)، خودبرتربینی (استکبار)، رفاه زدگی، عدم تزکیه و تهذیب نفس، از جمله مهم‌ترین عوامل پدیداری طغیان در قرآن کریم معرفی شده‌اند، که با علائمی چون: بخل، دنیاپرستی، کینه‌ورزی و دشمنی با یکدیگر و تأثیرپذیری از جریان‌های انحرافی بروز و ظهور پیدا می‌کند.

آیات نورانی وحی و روایات ارزشمند معصومان (علیهم السلام) مؤثرترین راه‌های برون‌رفت و درمانی طغیان را کسب تقوای الهی، تزکیه و تهذیب نفس، یاد مرگ و توجه به معاد، درک حضور خدا، توجه به خلقت خود و اظهار نیاز به درگاه بی‌نیاز می‌دانند که بی‌تردید با بهره‌مندی از این روش‌ها می‌توان از بروز چالش‌های جدی رفتاری در اجتماعات انسانی جلوگیری کرد و زمینه را برای شکل‌گیری جامعه مطلوب دینی و انسانی فراهم ساخت.

کلید واژه‌ها: طغیان، استغنا، تقوا، تزکیه، خشیت

\* تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۵

۱. کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، گرایش تفسیری اثری، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

Email: ali.vali1351@yahoo.com

Email: ail.azade110@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، رشته علوم قرآن و حدیث



## مقدمه

یکی از دلایل مهم جامعیت اسلام عزیز، شمول دستورات و تعالیم ارزشمند آن در تمام شئون زندگی فردی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و نظامی آن است. این مشخصه محوری، زنده و پویا بودن دین اسلام و برنامه‌ریزی برای حیات جمعی را نمایان می‌کند و بر همین مبنا به هر نیازی که نظر گستریم، آموزه‌های مناسب، تحول‌زا و حرکت‌آفرین در تعالیم آسمانی دین اسلام برای پاسخ به آن به چشم می‌خورد.

یکی از مسائل بسیار مهم و قابل توجه که خداوند متعال بر پیامبر عزیز اسلام ﷺ در سوره مبارک علق نازل فرمود، موضوع «طغیان انسان» است. موضوعی که منشأ بسیاری از معضلات و نابسامانی‌های جوامع بشری است؛ شایان ذکر این که طغیان در هر مرتبه آن و در هر طیف و طبقه‌ای که باشد از نظر اسلام، مذموم بوده و می‌تواند سبب ناکارآمدی نظام اجتماعی و روابط انسانی شود؛ اما طغیان در برخی از گروه‌های اجتماعی عوارض وسیع‌تری دارد برای نمونه: طغیان شخص حاکم و اطرافیان او، سیاستمداران و احزاب وابسته به جریانات صاحب قدرت خطرات بیشتری به دنبال دارد و عوارض سوء آن طیف وسیعی از اجتماع را آلوده می‌کند. همان‌طور که قرآن کریم با اولویت درمان این دسته از طاغیان<sup>۱</sup>، این مطلب را تأیید می‌فرماید. از این رو، باید به طور جدی در شناخت و درمان طغیان کوشید چرا که درمان آن، راه را برای تعالی، رشد و کمال آحاد جامعه هموار ساخته و حرکت به سوی یک جامعه اسلامی و نورانی را شتاب می‌بخشد.

موضوع طغیان در تفاسیر ارزشمند موجود،<sup>۲</sup> ترجمه و به صورت مختصر توضیح داده شده است؛ اما جای شرح و بسط لازم و توضیحات و توصیفات کاربردی مورد نیاز، برای نسل آینده‌ساز امروزی، خالی به نظر می‌رسد. در این میان محدود مفسرانی چون علامه طباطبایی<sup>۳</sup>، فخرالدین رازی و عبدالکریم خطیب - جدای از مذهب فکری و تفسیری آنان - نسبت به دیگر مفسران موضوع را توضیح و تفصیل بیشتری داده‌اند که نشان‌دهنده نگاه ویژه آنان نسبت به موضوع طغیان بوده است. در تفاسیر دیگر ذیل آیات ششم و هفتم سوره مبارک علق جز ترجمه و یا تفسیر مختصر، چیزی مشاهده نمی‌شود؛ از این رو، برای روشن

۱. قرآن کریم در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره نازعات نخستین مأموریت حضرت موسی علیه السلام را درمان طغیان فرعون تعیین می‌فرماید: ﴿ادْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ \* فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَنَا تَزَكَّىٰ﴾؛ به سوی فرعون برو که طغیان کرده است، بگو آیا می‌خواهی پاک شوی؟؛ طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم موسوی همدانی، سید محمدباقر؛ ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴؛ ج ۲۰، ص ۲۸۹.

۲. مراجعه به بیش از یکصد و چهل تفسیر.

۳. علامه سیدمحمد حسین طباطبایی صاحب تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن» که در این مقاله به عنوان مرجع تفسیری، به نظرات ایشان مراجعه وسیعی شده است؛ بنابراین هر جا با عنوان «علامه» مطلبی ذکر شده است، منظور علامه طباطبایی است.



شدن بیشتر موضوع مهم «طغیان» که در نخستین آیات نازل شده الهی مورد عنایت و تأکید خداوند متعال قرار گرفته است، در منابع موجود روایی جستجوی فراگیرتری انجام شد تا ابعاد وسیع‌تری از موضوع آشکار شود. متذکر می‌شود برخی از استنادات این پژوهش در موضوع «طغیان» مستقیماً به آیات و روایاتی است که در آن لفظ طغیان آورده شده است و در برخی موارد استنادات به آیات و روایاتی است که الفاظ آن مترادف با واژه طغیان است.

### معنای لغوی طغیان

واژه «طغیان»، مصدر ماده «طغو»، «طَغَى»<sup>۱</sup>، به معنای تعدی از حد متعارف<sup>۲</sup>، تجاوز از حد در عصیان و نافرمانی<sup>۳</sup> و تجاوز از حد با افراط و تفریط<sup>۴</sup> آمده است. ابن فارس،<sup>۵</sup> طغیان را «تجاوز از حد در گناه» دانسته است. واژه «طغی» با مشتقاتش در قرآن ۳۹ بار در معانی مختلف به کار رفته است.<sup>۶</sup>

در تفسیر بصائر، سه قول درباره معنای طغیان در آیه ششم سوره مبارک علق آمده است؛ اول: به معنای کفر به خدا و رسول خدا؛ دوم: به معنای افساد در زمین با ظلم و تضییع حقوق مردم؛ سوم: به معنای تجاوز از حد در گناه.<sup>۸</sup>

### معنای اصطلاحی طغیان

بر اساس منابع لغوی و تفسیری معنای اصطلاحی «طغیان» عبارت است از: «تجاوز و سرپیچی انسان از

۱. «به معنای تجاوز از حد متعارف»؛ مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش؛ ج ۸، ص ۸۱.

۲. همان، ج ۷، ص ۸۲.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق: دار القلم، الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ؛ ص ۳۰۴.

۴. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ *التفسير المنير فی العقيدة والشریعة والمنهج*، بیروت دمشق: دار الفكر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ؛ ج ۱۱/۱۲، ص ۱۶۵.

۵. ابن فارس زکریا، ابوالحسن احمد؛ *معجم المقاییس اللغة*، مصحح: هارون، عبد السلام محمد؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ.

۶. «و هو مجاوزة الحد فی العصیان»؛ همان، ج ۳، ص ۴۱۲.

۷. از ۳۹ بار، شش مورد به صورت فعل مضارع، هفت مورد فعل ماضی، هجده مورد به صورت مصدر، هفت مورد به صورت اسم فاعل، و یک مورد به صورت اسم تفضیل به کار رفته است. (مؤلف)

۸. رستگاری جویباری، یعسوب الدین؛ *تفسیر بصائر*، قم: ۱۴۰۶ هـ.



حدود مقرر الهی که ناشی از جهل، غفلت، خودبینی و هوی پرستی اوست.»

## عوامل پدیداری طغیان

در مبحث درمان طغیان، شناخت عوامل پدیداری آن، یک امر ضروری است. از این رو، ابتدا به برخی از این عوامل اشاره می‌شود.

### ۱- احساس بی‌نیازی (استغنا)

یکی از زمینه‌ها و عوامل منجر به طغیان، «استغنا» و احساس بی‌نیازی است؛ امری که در سوره علق به صراحت از تأثیر آن سخن به میان آمده است: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِغْنَىٰ \* أَلَمْ يَرَأْهُ اسْتَغْنَىٰ﴾؛ این بی‌نیازی می‌تواند در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مصداق پیدا کند: بی‌نیازی جسمی<sup>۱</sup>، بی‌نیازی مالی<sup>۲</sup>، بی‌نیازی در قدرت، بی‌نیازی علمی و دیگر امور.

### ۲- خود برترینی (استکبار)

دیگر از عوامل طغیان، حس خود برترینی و تکبر در انسان است؛ خوی ناپسندی که اگر به موقع درمان نشود انسان را به طغیانگری می‌کشاند که مؤید این امر را می‌توان در آیه ۲۱ سوره فرقان مشاهده کرد.<sup>۳</sup>

### ۳- انکار معاد و قیامت

اندیشه و نگاه منکران معاد، زمینه طغیانگری آنان را فراهم می‌کند. با وجود برخورداری آنان از نعمت‌های الهی و بهره‌مندی از مظاهر دنیوی، اما به دلیل انکار قیامت و روز حساب، خود را در معرض ابتلا به

۱. علق / ۶ و ۷.

۲. امام باقر (ع): «إِنَّ الْبَطْنَ إِذَا شَبَعَ طَغَى؛ چون شکم پر و سیر شد طغیان می‌کند»؛ کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ اردکانی، محمدعلی؛ تحفه الأولیاء (ترجمة أصول کافی)، قم: دار الحديث، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش؛ ج ۶، ص ۲۷۰.

۳. امام علی (ع): «إِنْ أَفَادَ مَا لَا أَطْغَاهُ الْغَنَى»؛ (انسان) اگر مالی به دست آورد، ثروت او را به طغیان وامی‌دارد؛ مازندرانی، محمد صالح بن احمد؛ شرح کافی - الأصول والروضة للمولى صالح المازندراني، محقق / مصحح: شعرانی، ابوالحسن؛ تهران: المکتبة الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه؛ ج ۱۱، ص ۲۲۲.

۴. ﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةَ ۖ أَوْ تَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا﴾؛ کسانی که معاد را منکرند گویند: چرا فرشتگان به ما نازل نمی‌شوند یا چرا پروردگار خویش را نمی‌بینیم. حقا که خویش را سخت بزرگ شمردند و زیاده‌روی کردند، زیاده‌روی بسیار؛ طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین؛ ج ۱۵، ص ۲۷۱.

بیماری طغیان قرار می‌دهند و به آن دچار می‌شوند که آیات ۷۴ و ۷۵ سوره مؤمنون<sup>۱</sup> و نیز آیات ۲۲ تا ۲۷ سوره نبا<sup>۲</sup> احوال این گروه را بیان می‌فرماید.

#### ۴- رفاه‌زدگی

از جمله دیگر عوامل زمینه‌ساز در ابتلای انسان به طغیان، رفاه‌زدگی و اقبال شدید به این میل نفسانی است. تاریخ گواه است که از ابتدای خلقت انسان تا به امروز، انسان هرگاه خود را در میدان زندگی از غیر بی‌نیاز دیده است، با اسراف و تبذیر و رفاه و راحت‌طلبی مفرط، در دام طغیان و سرکشی گرفتار شده است. قرآن کریم حال این گروه را این‌گونه بیان می‌فرماید:

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فِتْلِكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۳</sup> چه بسیار شهرهای آباد و حاصل‌خیز که در معیشت خود طغیان کردند و ما هلاکشان کردیم و اینک خرابه‌های مساکن آن‌ها است که دیگر بعد از ایشان مسکونی نشد مگر اندکی از آن‌ها و ما ییم وارث آنان<sup>۴</sup>

#### ۵- فرزند ناصالح

در تعالیم دین اسلام برای داشتن نسلی پاک و ذریه طیبه، ضوابطی تعیین شده است که تخلف از آن، می‌تواند عامل بدبختی، هلاکت و طغیان انسان شود. آداب آسمانی نکاح، لقمه حلال،<sup>۵</sup> دعا، تربیت شایسته مبتنی بر تعالیم قرآنی و مدد الهی، نسل انسان را پاک و نورانی می‌کند و در مقابل بی‌مبالاتی و بی‌توجهی به این دستورات، انسان را در معرض هلاکت قرار می‌دهد؛ بنابراین باید همه زمینه‌های لازم برای تحصیل نسلی پاک فراهم شده تا فرزندان ناصالح، انسان را به طغیانگری نکشانند. قرآن کریم در

۱. ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّراطِ لَنُكَيِّبُنَّ \* وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾؛ و کسانی که به آخرت ایمان ندارند از راه برمی‌گردند و اگر ما بر آن شفقت کرده هرگونه درد و بلا را برطرف سازیم سخت در طغیان فرو می‌روند<sup>۶</sup>؛ همان، ص ۵۲.

۲. ﴿لِلظَّالِمِينَ مَأْبَأٌ \* لَا يَتَّبِعُ فِيهَا أَحْقَاباً \* لَا يَدْخُلُوهَا فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَاباً \* إِلَّا خَمِيمًا وَعَسَاقًا \* جَزَاءً وَفَاقًا \* إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَاباً﴾؛ آن دوزخ جایگاه مردم سرکش و ستمکار است. که در آن دوران‌های متمادی عذاب کشند. هرگز در آنجا قطره‌ای آب سرد و شراب طهور نیاشامند (چنان‌که در دنیا از علوم انبیا بهره نیافتند). مگر آبی پلید و سوزان که از چرک و خون جهنم است به آن‌ها دهند که با کيفر اعمال آن‌ها موافق است. زیرا آن‌ها به روز حساب امید نداشتند<sup>۷</sup>؛ همان، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

۳. قصص / ۵۸؛ ترجمه: طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین؛ ج ۱۶، ص ۸۳.

۴. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسب الحرام یبین فی الذریه؛ آثار حرام در نسل آدمی آشکار می‌شود»؛ فروع کافی، ج ۱، ص ۳۶۳.



سوره کهف، فرزند ناصالح را عامل طغیانگری می‌داند.<sup>۱</sup>

## ۶- عدم تزکیه

فقدان تزکیه و تهذیب نفس در انسان عامل مؤثری در ابتلای او به طغیانگری است. زندگی اجتماعی در جوامع انسانی اقتضا می‌کند که افراد با درستکاری و نیک‌رفتاری، فضای اجتماع را برای زندگی در کنار یکدیگر کاملاً امن و سلامت کنند؛ ولی طاغیان و سرکشان به دلیل عدم تزکیه نفس و تهذیب درون، همه خطوط قرمز و مرزهای اجتماعی را نقض کرده و به حریم سلامت جامعه تجاوز می‌کنند. قرآن کریم در سوره نازعات، نخستین مأموریت پیامبر الهی، حضرت موسی علیه السلام را تزکیه فرعون طغیانگر بیان می‌کند.<sup>۲</sup>

## درمان طغیان

در این بخش از پژوهش به بحث درمان طغیان یا همان راه‌های برون‌رفت از آن، که در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام بدان اشاره شده است، خواهیم پرداخت. این نکته مهم نیز قابل ذکر است که تدبیر و درمان مورد نظر در این پژوهش به این معناست که هر فرد خود می‌تواند با رعایت عوامل درمانی مطرح‌شده در قرآن و روایات، نسبت به پیشگیری و یا درمان طغیان اقدام کرده و از ابتلا به این بیماری مهلک مصون بماند.

قبل از بیان عوامل مؤثر در درمان طغیان، اندکی در باب اهمیت و ضرورت شناخت این عوامل نکاتی بیان می‌شود.

## اهمیت درمان طغیان

در باب اهمیت درمان طغیان، دلایل متعددی وجود دارد از آن جمله: هشدار الهی، اولویت درمانی و نتایج و عواقب سخت آن، که با فهم دقیق این دلایل، ضرورت شناخت راه‌های برون‌رفت از بیماری طغیان روشن می‌شود.

۱. کهف / ۸۰: ﴿وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا؛ اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند ترسیدیم به طغیان و انکار دچارشان کند؛ همان، ج ۱۳، ص ۴۶۸.

۲. نازعات / ۱۷ و ۱۸: ﴿أَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ \* فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَنَا تَزَكَّىٰ؛ به سوی فرعون برو که طغیان کرده است بگو آیا می‌خواهی پاک شوی؟؛ همان، ج ۲۰، ص ۲۸۹.

## ۱- هشدار الهی

اهمیت طرح موضوع «طغیان» را می‌توان از بیان تأمل‌برانگیز آن در آیات آغازین وحی به خوبی دریافت؛ آیات ششم و هفتم سوره علق می‌فرماید:

﴿كَأَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْطَغِي \* أَلَّنْ رَأَهُ اسْتَغْنَى﴾<sup>۳</sup> چنین نیست که انسان حق‌شناس باشد مسلماً طغیان می‌کند به خاطر این که خود را بی‌نیاز می‌بیند

تأکیدات لفظی در این آیات و طرح موضوع در آغاز وحی افزون بر اثبات اهمیت آن، یک هشدار جدی برای هر انسان طالب سعادت است. اهمیتی که انگیزه اصلی این پژوهش نیز بر مبنای آن شکل گرفته و به دنبال پاسخ برای این مسئله مهم است.

## ۲- اولویت درمانی

خداوند متعال یکی از اولویت‌های مأموریت نبی مرسل و پیامبر اولوالعزم خود، حضرت موسی (ع) را درمان طغیان فرعون تعیین فرمود:

﴿أَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى \* فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّى﴾<sup>۴</sup> به سوی فرعون برو که طغیان کرده است؛ بگو آیا می‌خواهی پاک شوی؟

درمان طغیان فرعون به عنوان حاکم جامعه نشان می‌دهد که اگر حاکم جامعه معالجه شد، بسیاری از عوارض بیماری وی، در اجتماع از بین خواهد رفت.

## ۳- عواقب سخت بیماری

نتایج و عواقب بسیار سهمگین دنیوی و اخروی طغیان‌گرانی چون قوم نوح،<sup>۵</sup> صاحبان باغ سوخته،<sup>۶</sup>

۳. ترجمه: موسوی همدانی، سید محمدباقر؛ ترجمه المیزان، پیشین؛ ج ۲۰، ص ۵۴۵.

۴. نازعات/ ۱۷ و ۱۸؛ ترجمه: همان، ج ۲۰، ص ۲۸۹.

۵. آیات ۵۰ و ۵۲ سوره نجم در وصف طغیان قوم نوح است قومی که به تعبیر قرآن کریم از قوم عاد و ثمود ظالم‌تر و طغیانگرترند؛ همان، ج ۱۹، ص ۷.

۶. آیات ۱۷ الی ۳۱ سوره قلم در توصیف طغیان صاحبان باغ سوخته آمده است؛ همان، ج ۱۹، ص ۶۱۵.

فرعون،<sup>۱</sup> قوم ثمود،<sup>۲</sup> قوم عاد،<sup>۳</sup> قوم لوط،<sup>۴</sup> که در آیات متعدد<sup>۵</sup> بدان اشاره شده است، هر انسان خردمندی را به تأمل و تفکر وامی‌دارد تا اولاً مبتلا به این رذیله اخلاقی نشود و ثانیاً اگر آثار و علائم طغیان را در خود می‌بیند، به طور جد در درمان آن همت کرده و خود را از عوارض این بیماری مهلك نجات دهد.

### عوامل درمانی طغیان

با مراجعه به آیات و روایات معصومان علیهم‌السلام، می‌توان عوامل مؤثر در درمان این رذیله اخلاقی را شناسایی کرده و برای درمان به کار بست. از جمله عوامل مؤثر و شناخته‌شده در علاج این بیماری عبارت است از:

#### ۱- تقوا

تقوا از ریشه «وقی» وقایه، به معنای حفظ کردن چیزی است، از آنچه سبب زیان و آزار به آن می‌شود. «وَقِيتُهُ» یعنی او را از هرچه بدان زیان و آزار می‌رساند، حفظ و نگهداری کردم.<sup>۶</sup> مانند:

﴿وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾<sup>۷</sup> و خدا آنان را از عذاب دوزخ حفظ می‌کند.

شهید مطهری در معنی تقوا می‌نویسد:

این کلمه از ماده «وقی» است که به معنای حفظ، صیانت و نگهداری است.<sup>۸</sup>

در فرهنگ قرآن کریم، «متقی» کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد.<sup>۹</sup>

از جمله مبانی نظری درباره کنترل فردی و اجتماعی، که امروزه در مباحث علوم انسانی به ویژه

۱. آیات ۶ تا ۱۴ سورة فجر، عقوبت اقوام مختلف را بیان می‌فرماید؛ همان، ج ۲۰، ص ۴۶۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. آیات ۵۰ تا ۵۴ سورة نجم؛ همان، ج ۱۹، ص ۷۱.

۵. قرآن کریم به عذاب‌های دنیوی و اخروی اهل طغیان در آیات ۳۱ تا ۳۳ سورة قلم اشاره دارد، آنجا که پس از بازگو کردن داستان صاحبان باغ سوخته، از زبان آنان می‌فرماید: ﴿آری عذاب چنین است و البته عذاب آخرت بزرگ‌تر است اگر مردم بنای فهمیدن داشته باشند﴾؛ همان، ج ۱۹، ص ۶۱۵.

۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه رحیمی‌نیا، مصطفی؛ تهران: ۱۳۸۵؛ ص ۴۸۲.

۷. دخان / ۵۶.

۸. مطهری، مرتضی؛ *ده گفتار*، قم: انتشارات صدرا، بی‌تا، ص ۳.

۹. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، تنظیم و ویرایش: اسلامی، علی؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸؛ ج ۲، ص ۱۳۲.



جامعه‌شناسی توسعه زیادی یافته است و به اهمیت جایگاه آن اذعان می‌شود، موضوع «خود کنترلی»<sup>۱</sup> است.

قرآن کریم در ۲۵۸ مورد موضوع تقوا را مطرح کرده و با اشکال مختلف آن را مورد تشویق قرار داده و دستور جدی بدان می‌دهد و به نتایج حیات‌بخش آن تصریح فرموده است. این تأکیدات در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز فراوان به چشم می‌خورد؛ برای نمونه در نهج البلاغه، حضرت امیر مؤمنان علیه‌السلام در ۷۷ مورد تقوا را مورد توصیه و تأکید قرار داده‌اند؛ از جمله در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه، امام علیه‌السلام تقوا را داروی امراض روحی و قلبی معرفی می‌فرمایند:

فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٌ قُلُوبِكُمْ<sup>۲</sup>؛ تقوا دواي دردهای روحی شماست.

قرآن کریم، تقوا را مایه نجات و رستگاری ﴿وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۳</sup> و طغیان را مایه هلاکت می‌داند ﴿فَأَمَّا نَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ﴾<sup>۴</sup>.

حضرت علی علیه‌السلام تقوا را نجات از هر هلاکتی می‌دانند؛ ایشان در خطبه ۲۳۰ نهج البلاغه می‌فرمایند:

فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ وَ يَنْجُو الْهَارِبُ وَ تُنَالُ الرِّغَائِبُ<sup>۵</sup>؛ تقوا و ترس از خدا، کلید گشودن هر در بسته‌ای است، ذخیره رستخیز و سبب آزادی از بردگی شیطان و نجات از هر هلاکتی است، در پرتو پرهیزگاری، تلاشگران پیروز می‌شوند و پرواکنندگان از گناه رستگار و به هر آرزویی می‌توان رسید.

۱. (self-control)، خودکنترلی یا همان وجدان کاری که در فرهنگ اسلامی از آن یاد می‌شود. نظریه تعهد اجتماعی و خود کنترلی: در واقع ادامه و بسط نظریه قبلی «تراویس هیرشچی» (Travis Hirschi)، متولد ۱۵ آوریل ۱۹۵۵ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آریزونا) است. از دیدگاه هیرشچی اگر تعهد افراد نسبت به جامعه و نیز خود کنترلی آن‌ها (نظارت بر اعمال خود توسط خود) تضعیف شود، آن‌ها به سمت رفتارهای انحرافی گرایش می‌یابند؛ ستوده، هدایت الله؛ جامعه‌شناسی/انحرافات، آوای نور، چاپ هفتم، ۱۳۸۰؛ ص ۱۳۳.

۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل؛ قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ؛ ج ۱۰، ص ۱۸۸.

۳. آل عمران / ۲۰۰؛ ﴿و خدا ترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید﴾؛ طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین؛ ج ۴، ص ۱۴۳.

۴. حاقه / ۵؛ ﴿اما قوم نمود به وسیله صیحه (و یا زلزله) یا صاعقه هلاک شدند﴾، همان، ج ۱۹، ص ۶۵۲.

۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحي صالح)، مصحح: فیض الإسلام، اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۳۰، ص ۳۵۱.



## ۲- تزکیه و تهذیب نفس

واژه «زکی»<sup>۱</sup> از ریشه «زکو: زکاة» در اصل به معنای نمو و زیادت است. صاحب العین، زکات مال را پاک کردن آن می‌داند؛<sup>۲</sup> طریحی «تزکیه» را طهارت و پاک شدن از اخلاق زشت و ناپسند می‌داند.<sup>۳</sup> راغب نیز در توضیح واژه زکات آورده است: «با طهارت و تزکیه نفس است که انسان در دنیا به صفات پسندیده آراسته می‌شود و در آخرت استحقاق اجر و پاداش می‌یابد».<sup>۴</sup>

حضرت موسی علیه السلام مأمور است که با سخن نرم و لَین فرعون طغیانگر را دعوت به تزکیه نفس کند. از این رو، حضرتش خطاب به فرعون می‌فرماید:

﴿فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ؟﴾<sup>۵</sup> بگو آیا می‌خواهی پاک شوی؟

علامه طباطبایی ذیل آیه فوق، تزکیه را پاک شدن از قذارت<sup>۶</sup> طغیان می‌داند؛<sup>۷</sup> سید قطب نیز «تزکی» را تطهیر از ناپاکی طغیان می‌داند.<sup>۸</sup> همچنین قرآن کریم در سوره شمس به این نکته کلیدی برای سعادت‌مندی بشر اشاره می‌فرماید که: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهُ﴾؛<sup>۹</sup> تزکیه و تهذیب نفس، کلید سعادت‌مندی، فلاح و رستگاری بشر است.

۱. «یدل علی نماء و زیادة»؛ ابن فارس زکریا، ابوالحسن احمد؛ مقایس اللغة، پیشین؛ ج ۳، ص ۷.

۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد؛ کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ؛ ج ۵، ص ۳۹۴.

۳. طریحی، فخر الدین بن محمد؛ مجمع البحرین، مصحح: حسینی اشکوری، احمد؛ تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش؛ ج ۱، ص ۲۰۳؛ «قوله تعالى: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهُ﴾، الضمیر للنفس، و التزکیه التطهیر من الاخلاق الذمیه الناشئه من البطن و الکلام و الغضب و الحسد و البخل و حب الجاه و حب الدنیا و الکبر و العجب».

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، پیشین؛ ص ۱۹۵.

۵. نازعات / ۱۸؛ طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین؛ ج ۲۰، ص ۲۸۹.

۶. چرکین بودن، ضد نظافت.

۷. سخن علامه: «کلمه «الی» متعلق به محذوف است، و تقدیر کلام: «هل لك ميل الى ان تزكي - آیا میل به این داری که پاک شوی؟ و یا چیزی مثل این است، و مراد از «تزکی» پاک شدن از قذارت طغیان است»؛ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین؛ ج ۲۰، ص ۳۰۴.

۸. ﴿فَقُلْ: هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ؟﴾ ... و هل لك إلى أن تتطهر من رجس الطغیان و دنس العصبان؟ هل لك إلى طریق الصلاة و البركة؟؛ سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره: دار الشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ هـ؛ ج ۶، ص ۳۸۱۴.

۹. شمس / ۹ و ۱۰؛ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهُ \* وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهُ﴾ (سوگند به این آیات) که هر کس جان خود را از گناه پاک سازد رستگار می‌شود و هر کس آلوده‌اش سازد زیانکار خواهد گشت؛ طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین؛ ج ۲۰، ص ۴۹۶.



در روایات از نقش مهم تزکیه نفس در سعادت و رستگاری انسان بسیار یاد شده است، تا جایی که از تزکیه و تهذیب نفس به «جهاد اکبر» تعبیر شده است. در روایتی از وجود مقدس پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد ﷺ، خطاب به کسانی که از جهاد با دشمن بازگشته بودند، آمده است که:

خوشامد می‌گویم به مردمانی که جهاد اصغر را گذراندند ولی جهاد اکبر همچنان بر عهده آنان باقی مانده است. عرض شد: ای رسول خدا! جهاد اکبر چیست؟ فرمودند: جهاد با نفس.<sup>۱</sup>

همچنین فرمود که: «دشمن‌ترین دشمن‌ها نفس امّاره است. خداوند سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾؛ رستگاری یافت کسی که تزکیه نفس نمود و آن را پاک کرد از صفات ذمیمه، مثل کبر، ریا، عجب، بخل و سایر صفات ذمیمه، و زیان‌کار شد کسی که نفس خود را در پستی‌ها گذاشت و عیب‌های خود را پوشانید».<sup>۲</sup>

### ۳- یاد مرگ و توجه به معاد

یکی دیگر از داروهای مؤثر در درمان طغیان، یاد مرگ و معاد است که در سوره علق بدان اشاره می‌شود.<sup>۳</sup> انسان طبیعتاً زمانی که خود را بی‌نیاز از همه کس و همه چیز بداند، غفلت سراپای وجود او را فرا می‌گیرد، زمان را از دست می‌دهد و سرکشی و طغیان می‌کند و بی‌واهمه، با خودخواهی‌های خود به همگان ستم روا می‌دارد؛ در حالی که اگر دنیا را هدفمند و خلقت خود را امتداد یک جریان حکیمانه بداند و مرگ و معاد را بپذیرد، هرگز سر سوزنی ستم نمی‌کند. علامه طباطبایی در باره آیه هشتم سوره علق می‌گویند: ﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾؛ کلمه «رجعی» مانند کلمه «رجوع» به معنای برگشتن است، و به طوری که از سیاق، تهدید آینده بر می‌آید، این جمله تهدید به مرگ و بعث است.<sup>۴</sup>

تهدید به مرگ و قیامت پس از ذکر طغیان انسان‌های مستغنی، بیانگر تأثیر یاد مرگ و قیامت در بازدارندگی از این صفت رذیله است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل/الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ؛ ج ۱۱، ابواب جهاد النفس، باب ۱، حدیث ۱.

۲. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی؛ لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ هـ؛ ج ۱، ص ۱۰۹.

۳. علق/ ۸-۶: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ \* إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ \* إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾؛ چنین نیست که انسان حق شناس باشد مسلماً طغیان می‌کند. به خاطر اینکه خود را بی‌نیاز می‌بیند ولی باید بداند که برگشت همه به سوی اوست؛ طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین؛ ج ۲۰، ص ۵۴۶.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۵۵۱.



زیاد به فکر مرگ باشید که دارای چهار اثر است: اول، گناهان شما را پاک می‌کند؛ دوم، علاقه مفراط شما را به دنیا کم می‌کند؛ سوم، هرگاه در حال غنی و بی‌نیازی یاد مرگ کنید، جلوی مستی‌ها و طغیان‌هایی که از سرمایه و ثروت برمی‌خیزد را می‌گیرد؛ چهارم، هرگاه در حال تندرستی و فقر انسان یاد مرگ افتد و فکر این باشد که چگونه باید در دادگاه عدل الهی پاسخ درآمد و مصرف و پاسخ محرومان جامعه را بدهد، قهرأً به همان مقدار کم راضی و خشنود می‌شود.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) آثار تربیتی یاد مرگ را چنین بیان می‌فرماید:

أَكثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَمَحِّصُ الذَّنُوبَ وَيُزْهِدُ فِي الدُّنْيَا فَإِنْ ذَكَرْتُمُوهُ عِنْدَ الْغِنَى هَدَمَهُ وَإِنْ ذَكَرْتُمُوهُ عِنْدَ الْفَقْرِ أَرْضَاكُمْ بِعَيْشِكُمْ<sup>۲</sup>؛ مرگ را فراوان یاد کنید؛ زیرا که یاد مرگ گناهان را می‌زداید و به دنیا بی‌رغبت می‌کند. اگر در هنگام توانگری به یاد مرگ باشید آن را بر هم می‌زند و اگر به هنگام ناداری به یادش باشید، شما را به زندگیتان خشنود می‌سازد.

یاد مرگ، شهوت را در نفس از بین می‌برد و ریشه‌های غفلت را یک‌سره برمی‌کند و دل را با وعده‌های الهی محکم می‌کند و روحیه انسان را از قساوت دور می‌کند.

#### ۴- درک حضور خدا

فهم این مطلب که خداوند، عالم به درون و برون ماست (می‌داند) و حاضر و ناظر همه اعمال ماست (می‌بیند)، اشخاص را وادار به مراقبت و محافظت بیشتر از اعمال و کردار خود می‌کند. وقتی در فضایی قرار می‌گیریم که می‌دانیم مجهز به دوربین‌های مدار بسته‌ای است که لحظه به لحظه حضور ما را ثبت می‌کند و کوچک‌ترین حرکت ما از دوربین‌های بسیار دقیق آن پوشیده نیست، تمام سعی‌مان بر آن خواهد بود که هیچ حرکت خلافی مرتکب نشویم.

قرآن کریم از یک حقیقت مهم پرده بر می‌دارد که مبین مطلب مذکور است؛ از حضور و همراهی همیشگی فرشتگان و نویسندگان بزرگواری یاد می‌فرماید که بسیار دقیق و عالمانه همه اعمال و کردار ما را

۱. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش، کلام ۴۴۴.

۲. محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان الحکمه، مترجم: شیخی، حمیدرضا؛ قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ هفتم، ۱۳۸۶ ش، ح ۱۹۱۴۸.



ثبت و ضبط می کنند،<sup>۱</sup> و حتی نیت افراد را می دانند. علامه طباطبایی ذیل آیه دوازدهم سوره انفطار می گوید:

و در آیه مورد بحث که می فرماید: ﴿يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾، دلالتی بر این معنا هست که نویسندگان، دانای به نیت نیز هستند، چون می فرماید: آنچه انسان ها می کنند می دانند، و معلوم است که بدون علم به نیت نمی توانند به خصوصیات افعال و عناوین آن ها، و این که خیر است یا شر، حسنه است یا سیئه علم پیدا کنند، پس معلوم می شود ملائکه دانای به نیت نیز هستند.<sup>۲</sup>

در سوره علق پس از این که طغیان انسان را تصریح و تأکید می فرماید، در ادامه، او را هشدار می دهد به این که مگر این انسان طاغی نمی داند، خداوند همه چیز را می بیند؟! ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾.<sup>۳</sup>

قرآن کریم با طرح این هشدار به دنبال اهداف اثرگذار تربیتی این حقیقت مهم است؛ حقیقتی را که اگر انسان عمیقاً درک کند و بداند خدا و رسول خدا ﷺ و مؤمنین اعمال او را می بینند<sup>۴</sup> و هر روز کارهای او به رؤیت پیامبر ﷺ می رسد، قطعاً اثر تربیتی و بازدارندگی از گناهان عموماً و طغیان خصوصاً را خواهد داشت.

امام صادق (ع) در تفسیر آیات دهم تا دوازدهم سوره انفطار می فرماید:

چه بسا بنده ای قصد معصیت می کند، ولی یادآور مقام و جایگاه فرشتگان می شود و در نتیجه مراعات می کند و از گناه دست می کشد و می گوید: پروردگار مرا می بیند و فرشتگان نگهبان من شاهدند.<sup>۵</sup>

امام خمینی (ع) درباره حضور در محضر خدا عبارت معروفی دارند که:

عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت خدا نکنید، در محضر خدا با هم دعوا نکنید سر امور باطل و فانی.<sup>۶</sup>

۱. انفطار / ۱۲-۱۰؛ ﴿وَإِنَّ عَلَيْنَكُمْ لَحَفَظِينَ﴾ \* کراماً کاتبین \* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ؛ و گر نه او بر شما نگهبانان گماشته که نویسندگانی ارجمندند و هر چه بکنید می دانند؛ طباطبایی، سید محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین: ج ۲۰، ص ۳۶.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۳۷۲.

۳. علق / ۱۴؛ ﴿أَيَا نَمِي دَانَسْتْ كَهْ خَدَا اْوَرَا مِی بِنْد؟﴾؛ همان، ج ۲۰، ص ۵۴۶.

۴. توبه / ۱۰۵؛ ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سِرِّی اللّٰه عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّوْنَ اِلَیْ عَالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَنَبِّئْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛

همان، ج ۹، ص ۵۱۵.

۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ؛ ج ۵، ص ۳۲۳.

۶. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور (مجموعه رهنمودها)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ



و یا در فراز دیگری از سخنان ارزشمند این مرد بزرگ آمده است که:

ما الان در محضر خدا نشستیم، اگر قلب ما این معنا را ادراک کند که ما الآن در محضر خدا هستیم، همین مجلس محضر خداست، اگر قلب انسان بیابد این مطلب را، از معصیت کنار می‌رود، تمام معصیت‌ها برای این است که انسان نیافته این مسائل را.<sup>۱</sup>

### ۵- توجه به خلقت خود

توجه به اسرار خلقت و تدبیر در آیات بی‌شمار الهی، هر صاحب عقلی را به تواضع و فروتنی می‌کشاند و جبهه‌بندی بر آستان الهی حضرت حق فرود می‌آورد.

قرآن کریم در سوره علق، قبل از این که موضوع طغیان انسان را هشدار دهد، توجه وی را به موضوع آفرینش انسان از «خون بسته»<sup>۲</sup> جلب می‌کند؛ اگر در این توجه برای درمان بیماری طغیان دواپی نبود، هرگز ذکر نمی‌فرمود. یکی از راه‌هایی که اهل بیت علیهم‌السلام نیز برای درمان خودخواهی و تکبر انسان و توجه او به قدرت لایزال الهی نشان داده‌اند، موضوع خلقت انسان است. حضرت امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: ما لابن ادم و الفخر اوله نطفه و آخره حیفه و لایرزق نفسه و لایدفع حفته؛<sup>۳</sup> فرزند آدم را با فخر فروشی چه کار؟ او که در آغاز نطفه‌ای گندیده و در پایان مرداری بدبو است، نه می‌تواند روزی خویشتن را فراهم کند و نه مرگ را از خود دور نماید!

یا روایتی است از ابو حمزه ثمالی که می‌گوید از امام سجاد علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: «تعجب! واقعاً تمام تعجب! از متکبر خودخواهی است که دیروز نطفه و فردا مرده گندیده است. تعجب! تمام تعجب! از کسی است که شک در خدا دارد با این که آفرینش را مشاهده می‌کند».<sup>۴</sup>

اول، ۱۳۶۹ ش؛ ج ۸، ص ۱۱۲.

۱. همان، ج ۱۱، ص ۸۲.

۲. «علق» علق بر وزن فرس به معنی زالو و یا جمع علقه است به معنی خون منعقد که حالت بعدی نطفه است؛ قرشی، سید علی اکبر؛

قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش؛ ج ۵، ص ۳۱.

۳. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۴۵۴، ص ۵۲۸.

۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ مواعظ امامان علیهم‌السلام (ترجمه بحار الأنوار)، مترجم: خسروی، موسی؛ تهران: اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش؛ ص ۱۲۸؛ بخش بیست و یکم سفارشات حضرت زین العابدین علیه‌السلام و پند و اندرزها، ادامه روایت برای بهره‌مندی عزیزان ذکر می‌شود: «تمام شگفت از کسی است که منکر مرگ است با اینکه او می‌میرد در هر شبانه روز (با خواب که نوعی مرگ است) تمام تعجب از کسی است که منکر زندگی آینده است با اینکه می‌بیند زندگی پیشین را تعجب واقعاً از کسی است که عمل برای

## ۶- کمک به دیگران

از نظر قرآن کریم «استغنا» مایه طغیان انسان است؛ استغنا از ریشه «غنی» در لغت به معنای بی‌نیازی، طلب بی‌نیازی، خویش را بی‌نیاز پنداشتن است.<sup>۱</sup>

شخص طاعی از یک سو با جمع‌آوری مال و ثروت و از سوی دیگر با بخل و امتناع از پرداخت حقوق الهی به این حس بی‌نیازی می‌رسد. این مطلب را آیه هشتم سوره لیل تأیید می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى﴾<sup>۲</sup>. با در نظر گرفتن این حقیقت که بخل مایه استغنا شده است، بی‌تردید اعطای کمک به دیگران و انفاق مال در راه خدا، یکی از عوامل مهم در درمان طغیان خواهد بود؛ چرا که بر اساس آموزه‌های قرآنی شکی نیست که بنی آدم پس از استغنا سر از طغیان در می‌آورد: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاكٌ﴾<sup>۳</sup>. علامه طباطبایی ذیل آیات ۵ و ۶ سوره لیل می‌گوید:

مراد از «اعطاء» انفاق مال در راه رضای خداست، به دلیل این که در مقابلش بخل را آورده، که ظهور در امساک از انفاق مال دارد.<sup>۴</sup>

بنابراین با انفاق و اعطای مال در راه خدا و پرهیز از بخل، می‌توان از ورود به دایره استغنایی که منجر به طغیان می‌شود، جلوگیری کرد و از آفات مهلک این رذیله رهایی یافت. حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) انفاق‌کننده در راه خدا را اهل یقین و چون مجاهد در راه خدا می‌دانند و بخیلان را چون کسانی می‌دانند که یقین به جبران و برگشت خیر انفاقشان ندارند: «از آنچه خدا به شما داده انفاق کنید زیرا انفاق‌کننده چون مجاهد در راه خداست؛ هر کس یقین دارد که خدا عوض می‌دهد، بخشش می‌کند و هر کس یقین ندارد، بخل می‌ورزد».<sup>۵</sup>

## ۷- اظهار نیازمندی به خدا

قرآن کریم، در سوره علق «بی‌نیازی» را عامل طغیان معرفی فرموده است؛ این بی‌نیازی و استغنای مذموم، انسان را به موجودی سرکش و عصیان‌گر تبدیل می‌کند که به تبعیت از هوای نفس، دست به هر اقدام غیر انسانی می‌زند. احساس بی‌نیازی از خدا در انسان منشأ تکبر و غرور او می‌شود و او را به غفلت دنیا می‌کند و آخرت را رها کرده».

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، پیشین؛ ص ۳۲۸.

۲. لیل ۷/۹؛ ﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى؛ و اما کسی که بخل بورزد و طالب ثروت و غنی باشد و پاداش نیک روز جزا را تکذیب کند﴾: طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین؛ ج ۲۰، ص ۵۰۷.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۵۰۹.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ الخصال، ترجمه کمره‌ای، محمدباقر؛ تهران: کتابچی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش؛ ج ۲، ص ۴۰۰.





و کفر می‌کشاند؛ در مقابل احساس نیاز به خداوند متعال، اثرات شفاعت بخش فراوانی دارد؛ روح انسان را تربیت می‌کند و مایه رشد کمالات انسانی می‌شود. علامه طباطبایی درباره استغنا می‌گوید:

علت طغیان این است که او خود را بی‌نیاز از پروردگار خود می‌داند، پروردگاری که بر او انعام کرده و سراپای وجود او انعام وی است، و نعمت‌های بی‌شمار او را کفران می‌کند، و علت این انحراف آن است که انسان به خود و هواهای نفسانی خود می‌پردازد، و دل به اسباب ظاهری که تنها وسیله مقاصد او است (و نه هدف) می‌بندد، و در نتیجه از پروردگارش غافل می‌شود، و به هیچ وجه خود را محتاج او نمی‌بیند، چون اگر خود را محتاج او می‌دید همین احتیاج وادارش می‌کرد که به یاد او بیفتد، و او را ولی نعمت‌های خود بداند، و شکر نعمت‌هایش را بجای آورد، نتیجه این انحراف این است که در آخر خدا را به کلی فراموش نموده، سر به طغیان بردارد.<sup>۵</sup>

ایشان در این بیان علت غفلت انسان از خداوند متعال را احساس بی‌نیازی و به دنبال آن توجه به خود می‌دانند. توجه تام و تمام به هواهای نفسانی و امیال درونی، انسان را از مبدأ هستی غافل می‌کند و زمینه طغیان او را هموار می‌سازد و در مقابل، ابراز و اظهار نیازمندی به درگاه خداوند و یاد و نام مدام حضرتش عامل جلب رحمت الهی می‌شود و انسان را در مسیر هدایت و سعادت قرار می‌دهد.

استغنا، سبب غفلت می‌شود و در مقابل غفلت، یاد و ذکر الهی می‌تواند، غفلت را درمان کند. در این میان «نماز» که سمبل یاد و نام خداوند متعال<sup>۶</sup> و اظهار نیاز و بندگی است از اهمیت خاصی برخوردار است. قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام ضمن تبیین جایگاه والای آن، به انجام این فریضه مهم سفارش اکید فرموده‌اند تا جایی که ملاک و میزان قبولی اعمال را قبولی نماز می‌دانند.

اقامه نماز در پنج وقت شبانه‌روز، غفلت ناشی از استغنا را از انسان دور می‌کند و روح و جسم او را تطهیر می‌کند؛ پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

مثل نماز در بین شما مثل نهری است که در نزد هر یک از شماست که در شبانه‌روز پنج بار خود را در آن می‌شوئید و با این شست و شو دیگر چرک و آلودگی در شما باقی نمی‌ماند؛ گناهان

۵. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، پیشین؛ ج ۲۰، ص ۵۵۰.

۶. طه/۱۴؛ ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ و برای یاد کردن من نماز به پا کن؛ همان، ج ۱۴، ص ۱۸۷.



نیز با نمازهای پنجگانه شست و شو می شوند.<sup>۱</sup>

نماز، تکبر و غرور را که از نتایج طغیان است در انسان از بین می برد. سرور زنان عالم، حضرت زهرا (علیها السلام) می فرمایند:

فَقَرَضَ اللَّهُ الْإِيَّانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِّكَ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ؛<sup>۲</sup> خداوند برای پاک شدن بندگان از شرک، ایمان را و برای دور ماندن آنان از غرور و کبر، نماز را واجب کرد.

نماز سدی محکم در برابر گناهان است. خداوند نماز را بازدارنده انسان از ارتکاب فحشا و منکرات بیان می فرماید.<sup>۳</sup> نشانه قبولی نماز این است که انسان از گناه دوری کند؛ زیرا نماز باعث می شود که انسان به یاد خداوند باشد و این، باعث خوف از نافرمانی می شود.<sup>۴</sup>

### نتیجه گیری

بیماری طغیان که در نخستین آیات نازل شده بر پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه و آله) مطرح شده است، یک معضل عمومی برای بشریت شمرده می شود و چالش های فراوری جامعه جهانی اعم از ظلم و ستم و تجاوز زورمداران عالم و قتل عام های مظلومان و مستضعفان در اقصی نقاط دنیا، حکایت از وجود این بیماری مهلک دارد. راه برون رفت از طغیان در شرایط کنونی بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان (علیهم السلام)، تقوا، تزکیه، کمک به دیگران و ... است. در این میان جا دارد اندیشمندان اسلامی با تعمق و موشکافی بیشتر این موضوع، مهارت های کاربردی و درمانی جدید را متناسب با وضعیت کنونی جهان از بیانات نورانی قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم السلام) استخراج و استنباط کرده، برای آحاد جامعه انسانی تبیین نمایند و با گذاشتن کارگاه های معرفت افزایی خصوصاً برای مدیران و کارگزاران در مرحله اول و برای عموم مردم در مرحله دوم، خطر این آفت و بلای خانمان سوز را به مسئولان و آحاد جامعه متذکر شوند، تا از اثرات و پیامدهای سوء این رذیله اخلاقی جلوگیری به عمل آید. امید است این تلاش فاخر زمینه ساز قیام طبیب واقعی نفوس، حضرت بقیه الله الاعظم (علیه السلام) شود، او که حضورش بیماری طغیان را درمان و بنای حاکمیت توحید را تجدید خواهد کرد و حکوت عدلش مردم را به رفاه و سعادت مطلوب خواهد رساند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ (الأمالی، ترجمه کمره ای، محمد باقر؛ تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش؛ ص ۱۸۹.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، علی اکبر؛ تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش؛ ج ۳، ص ۵۶۱.

۳. عنکبوت / ۴۵.

۴. شبّر، سید عبدالله؛ تفسیر القرآن الکریم (شبر)، بیروت: دار البلاغة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ؛ ص ۶۰۵.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
- منابع فارسی
۲. ابن بابویه (الصدوق)، محمد بن علی؛ الخصال، ترجمه جعفری؛ قم: نسیم کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش
۳. \_\_\_\_\_: الخصال، ترجمه کمره‌ای، محمدباقر؛ تهران: کتابچی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش
۴. \_\_\_\_\_: الأمالی، ترجمه کمره‌ای، محمدباقر؛ تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش
۵. \_\_\_\_\_: من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، علی اکبر؛ تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش
۶. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش
۷. جواد آملی، عبدالله؛ تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، تنظیم و ویرایش: اسلامی، علی؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، تهران: نشر سبحان، ۱۳۸۵ ش
۹. ستوده، هدایت الله؛ جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات آوای نور، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ ش
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد؛ قم: مشهور، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش
۱۱. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، تحفة الأولیاء (ترجمه اصول کافی)، اردکانی، محمدعلی؛ قم: دار الحديث، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش
۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ مواعد امامان (ترجمه بحار الأنوار)، مترجم: خسروی، موسی؛ تهران: اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش
۱۴. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی؛ لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ هـ
۱۵. محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان الحکمه، مترجم: شیخی، حمیدرضا؛ قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، چاپ هفتم، ۱۳۸۶ ش
۱۶. مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، قم: انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ ش



۱۷. موسوی خمینی، روح الله؛ صحیفه نور (مجموعه رهنمودها)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش
۱۸. موسوی همدانی، محمدباقر؛ ترجمه تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش

### منابع عربی

۱۹. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله؛ شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل؛ قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ
۲۰. ابن فارس، أحمد بن فارس؛ معجم المقاييس اللغة، مصحح: هارون، عبد السلام محمد؛ قم: مكتب الاعلام الاسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ
۲۱. راغب أصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامية، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ
۲۲. رستگاری جویباری، یعسوب الدین؛ تفسیر بصائر، قم: ۱۴۰۶ هـ
۲۳. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج، بیروت دمشق: دار الفكر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ
۲۴. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم؛ فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره: دار الشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ هـ
۲۵. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغة (للصبحي صالح)، مصحح: فیض الإسلام، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ
۲۶. شبر، سید عبدالله؛ تفسیر القرآن الکریم (شبر)، بیروت: دار البلاغة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ
۲۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ هـ
۲۸. طریحی، فخر الدین بن محمد؛ مجمع البحرين، مصحح: حسینی اشکوری، احمد؛ تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش
۲۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد؛ کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ
۳۰. مازندرانی، محمد صالح بن احمد؛ شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولى صالح المازندراني)، محقق و مصحح: شعرانی، ابوالحسن؛ تهران: المكتبة الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ
۳۲. مصطفوی، حسن؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش